

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و هفتم 97/01/18

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (43) - نگاه افراطی اهل سنت در تقدیس صحابه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله،  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمامی نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شاکر هستیم که توفیق‌مان داد سال 1397 را هم درک کردیم، سال جدید را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم خدا را به آبروی امام هادی علیه السلام قسم می‌دهیم که اول سال ما به نام آن حضرت رقم خورد و بعد از آن ولادت امیرالمؤمنین سلام الله علیه بود خدا را قسم می‌دهیم که امسال را سال فرج مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد و رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید، حوائج همه مخصوصا جمع ما بر آورده شود.

در سال گذشته در رابطه با شبهاتی که وهابیت و برخی اهل سنت نسبت به تکفیر شیعه دارند مباحثی را مطرح کردیم سخن خیلی زیاد است . در رابطه با تکفیر شیعه از ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب و دیگر بزرگان وهابی که به بهانه‌های واهی شیعه را تکفیر کرده‌اند مطالبی را گفتیم . گفتیم که عمده‌ی این تکفیرها به چند موضوع بر می‌گردد، یکی از این‌ها که در حقیقت موجب تحریک جوانان اهل سنت و سلفی‌ها شده است بحث تکفیر صحابه است، آن‌ها می‌گویند شیعه معتقد است که صحابه کافر هستند و از آن‌ها بیزاری می‌جویند و روی این جهت شیعه را کافر می‌دانند.

ما مفصل روی این موضوع بحث کردیم که این حرف بی‌اساس است شیعه هرگز معتقد به کفر صحابه نیست، شیعه صحابه را هم مثل دیگر افراد می‌داند در میان آن‌ها عادل بوده و فاسق بوده و در میان آن‌ها کسانی هم بودند که با تصریح علمای اهل سنت منافق بودند.

اگر فرصت بشود جلسه‌ای در رابطه با نفاق و منافقین در میان صحابه بحث می‌کنیم که خود اهل سنت تصریح دارند، مسلم از نبی مکرم اسلام نقل می‌کند:

«فِي أَصْحَابِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا»

صحیح مسلم ، ج 4 ، ص 2143 ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261 ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي

در قضیه‌ی جنگ احد از 1000 نفری که به منطقه عملیاتی می‌رفتند 300 نفر به رهبری عبدالله اُبی سرکرده منافقین از وسط راه برگشتند، ما این‌ها را چه کار کنیم؟ بگوییم همه این‌ها عادل و اهل بهشت هستند؟! قرآن می‌گوید:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

سوره نساء (4): آیه 145

اگر ما همه صحابه را بگوییم:

«الصحابة كلهم عدول»

صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، ج 1، ص 162، اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي الوفاة: 354 ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط

چشم بستن به خیلی از حقایق و حتی حقایق قرآنی و تاریخی است.

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنْتًا فَتَبَيَّنُوا)**

**سوره حجرات (49): آیه 6**

دیگر منطق قرآن است و آیات مختلف دیگری که در رابطه با صحابه آمده است مانند:

**(كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ)**

**سوره آل عمران (3): آیه 86**

شیعه عقیده اش نسبت به صحابه منطبق با آیات قرآن، روایات و واقعیات تاریخی است ما در این زمینه بحث کردیم و بحث هم خواهیم کرد ما حاضریم با این‌هایی که مدعی هستند

**« الصحابة كلهم عدول »**

بحث و گفتگوی علمی و دوستانه داشته باشیم.

ما معتقدیم در میان صحابه منافق بوده این را هم قرآن و هم سنت دارد، فاسق و مرتد بوده قرآن و سنت هم به آن تصریح دارد. ما به این‌ها معتقدیم و علنا هم اظهار می‌کنیم ولی این‌که ما بیاییم بگوییم کل صحابه کافر هستند این‌ها خلاف و دروغ است ما اکثریت و در حد 90 درصد صحابه را بریء از نفاق و ارتداد و فسق می‌دانیم، شما (اهل سنت) مجموع صحابه‌ای را که روایت دارند به هزار نفر نتوانستید برسانید.

ما گفتیم مرحوم مامقانی در تنقیح المقال می گوید بیش از 500 نفر از صحابه یا ثقه و یا ممدوح هستند روایاتشان قابل استناد است، یعنی در مورد بیش از نصف صحابه این نظر را دارد.

تعدادی از صحابه هم مجهول هستند ما در رابطه با وثاقت و ضعف آنها هیچ گونه اطلاعی نداریم.

این یکی از بحث‌هایی است که امروزه دست مایه وهابی‌ها برای تکفیر شیعه شده است ما باید این بحث را مفصل کار کنیم و هم به صورت اجمالی در یک صفحه وقتی که از ما سؤال می‌کنند این یک صفحه همیشه در سینه ما باشد در گوشی موبایل ما باشد تا بتوانیم جواب بدهیم.

**پرسش:**

استاد ببخشید! نگاه اهل تسنن در مورد اصحاب ، عدالت مطلق آنهاست، یا آنها می‌گویند اگر این‌ها خطا هم کرده‌اند چون توبه می‌کنند خداوند این‌ها را می‌بخشد که آن یک بحث دیگری می‌شود.

**پاسخ:**

مرتد را چه کار کنیم!؟

«ومن أهل المدينة مردوا على النفاق»

تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 2، ص 68، اسم المؤلف: أبو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدي بالولاء البلخي الوفاة: 150هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - 1424هـ - 2003م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق :

أحمد فرید

کسانی که منافق شدند و بر نفاقشان هم اصرار داشتند.

(قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

سوره توبه (9): آیه 66

این‌ها را ما چه کار کنیم؟!

«فِي أَصْحَابِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا»

صحیح مسلم ، ج 4 ، ص 2143 ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261 ،

دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي

یا آن افرادی که پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بالای منبر خطبه‌ی نماز جمعه می‌خواند، پیغمبر صلی الله علیه

واله وسلم را رها می‌کنند و از مسجد بیرون می‌روند، یعنی اسائه ادب نسبت به رسول اکرم! این‌ها را ما چه کار

کنیم؟ بگوئیم نیست و یا این آیات را برداریم حذف کنیم!؟

بحث سر این است که این‌ها می‌گویند:

«الصحابه کلهم عدول»

صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان ، ج 1 ، ص 162 ، اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي

البستي الوفاة: 354 ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : شعيب

الأرنؤوط

«الصحابه كلهم من أهل الجنة قطعاً»

الإصابة في تمييز الصحابة ، ج 1 ، ص 11 ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

الوفاة: 852 ، دار النشر : دار الجيل - بيروت - 1412 - 1992 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : علي محمد البجاوي

یعنی:

«إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ، مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ!»

«مردوا على النفاق، من أهل الجنة!»

«كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ، مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ!»

و دهها آیه‌ای که در این زمینه است.

«كلهم من أهل الجنة» با قرآن نمی‌سازد، صحابه که دیگر بالاتر از پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم نیستند! خدای متعال در رابطه با پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم می‌فرماید:

(لَيْنَ أَشْرَكَتَ لِيُخْبَطَنَّ عَمَلُكَ )

سوره زمر (39): آیه 65

نمی‌گوید:

«لَيْنَ أَشْرَكَتَ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لَكَ»

(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ )

سوره الحاقه (69): آیه 44-46

ما رگ گردنت را می‌زنیم، نابودت می‌کنیم. صحابه بالاتر از امهات المؤمنین نیستند، امهات المؤمنین هم ام المؤمنین هستند و هم صحابه هستند و هم همسر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم هستند، یک سر و گردن از دیگر صحابه بالاتر هستند. قرآن می‌گوید اگر این‌ها گناه بکنند دو برابر عذابشان می‌کنیم. این یک سری واقعیات قرآنی است اصلاً ما حدیث را کنار بگذاریم، واقعیت قرآنی را ما چه کار بکنیم؟

بیاییم بگوییم واقعیت قرآنی درست نیست؟! الا این که آقایان بیایند این آیات را از قرآن حذف بکنند یا نستجیر بالله بگویند جرئیل اشتباهی این آیات را برای پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم آورده است این آیات را ما قبول نداریم!

پرسش:

استاد! با توجه به تعریف مشهوری که از صحابه دارند می گویند صحابه باید وجود پیامبر را درک کرده باشند و در حال اسلام مرده باشد اگر کسی مرتد شده باشد که اصلا جزو صحابه نمی شود.

پاسخ:

همه، این تعریف را قبول ندارند می گویند صحابی آن کسی است که پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را یک لحظه دیده باشد

پرسش:

این تعریف افراطی است

پاسخ:

افراطی یا غیر افراطی است؛ بحث سر آن است کسی که فاسق است چه؟

**(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)**

**سوره حجرات (49): آیه 6**

چه می شود؟ همین شخص بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله شراب می خورد و نماز صبح را چهار رکعت می خواند این را چه کار کنیم؟ بگوییم این از اهل الجنة است!؟

پرسش:

نهایتاً می‌گویند توبه کرده!

پاسخ:

گناهِش ثابت، توبه‌اش غیر ثابت است به چه دلیل شما می‌گویید توبه کرده است؟

پرسش:

ولی استاد! این‌ها یک‌طور دیگر هم می‌گویند که ما جز پیغمبر هیچ‌کس را معصوم نمی‌دانیم حتی در مورد پیغمبر هم می‌گویند ما پیغمبر را فقط در امور وحی معصوم می‌دانیم در امور دیگر معصوم نمی‌دانیم لذا اصلاً قضیه فرق می‌کند.

پاسخ:

نه، این‌ها همان روایت صحیح بخاری را استناد قرار می‌دهند ما در مورد عدالت مفضل بحث کردیم این‌ها می‌گویند صحابه گناه هم که بکنند گناه‌شان نوشته نمی‌شود خدای عالم قبل از این‌که این‌ها گناه بکنند این‌ها را می‌بخشد این‌ها با واقعیت و آیات نمی‌سازد. در هر صورت در مورد بحث تکفیر صحابه ما باید در ابعاد مختلف بحث کنیم و این بحث‌ها هم همیشه در آستین‌مان باشد.

این‌طوری نشود که فقط در یک بحث درسی ما مطالب را بشنویم و گوشه‌ی دفترمان یک چیزی بنویسیم و بعد از یکی دو ماه اصلاً دفترمان را پیدا نکنیم! یا اگر هم پیدا کردیم ندانیم در کدام صفحه است! این‌ها به درد نمی‌خورد اگر این‌طوری شد در این بحث‌ها شرکت نکنیم و ننویسم بهتر است. حداقل در خانه به استراحت‌مان می‌رسیم، لذا من از عزیزان تقاضا دارم به این بحث‌ها با دقت توجه کنند که این بحث‌ها از بحث‌های کاربردی جامعه ما است.

بحث‌های فقهی، اصولی همه این‌ها خوب است ولی این بحث‌ها، امروز در جامعه ما کاربرد ندارد مگر این که کسی بخواهد به اجتهاد برسد و مقلدی داشته باشد و برای حفظ اسلام زحمت بکشد او باید همه کارهایش را کنار بگذارد تمام درس و بحث و فعالیت‌ها و تبلیغش را کنار بگذارد شبانه روز به بحث فقهت بچسبد.

آیت‌الله خزعلی می‌گفت یک زمانی ما با آیت‌الله سیستانی هم مباحثه بودیم آن زمان بهایی‌ها کارشان در ایران اوج گرفته بود گفتم آقای سیستانی در رابطه با بهایی‌ها نظر شما چیست؟ ایشان فرمودند: آقای خزعلی! من فکرم را فقط به فقهت منحصر کردم به غیر از فقهت برای هیچ چیزی حاضر نیستم فکر بکنم.

در آن زمان به آن صورت زحمت کشید و امروز اینگونه برای جهان اسلام و جهان تشیع مفید است و فخر جهان اسلام است نه فقط جهان تشیع.

اگر کسی بخواهد به مرحله‌ای برسد که:

«فَلْيَعْوَمُ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»

باید همه کارهایش را کنار بگذارد، ولی اگر یک کسی می‌خواهد امروز در حوزه دفاع از تشیع حرف برای زدن داشته باشد، باید در همین زمینه جدی باشد و تمرکز داشته باشد. حتی خیلی از آقایان چندی قبل هم اصرار می‌کردند شما چرا بحث فقهی شروع نمی‌کنید؟ درس اصولی در حوزه شروع کنید.

گفتم من یک بحث دفاع از امیر المؤمنین علیه السلام را با هزار سال مرجعیت بر کره زمین عوض نمی‌کنم. یعنی اگر به من بگویند در یک کفه مرجعیت هزار ساله به تو می‌دهیم در یک کفه بگویند شما یک ساعت از امیر المؤمنین علیه السلام دفاع کن؛ والله العلی الاعلی من این یک ساعت را با آن هزار سال عوض نمی‌کنم.

اگر اشتباه است عقیده‌ام است و یقین دارم این راه صحیح و درست است. در هر صورت به این بحث‌ها خوب دقت بکنید که این بحث‌ها، بحث‌های کاربردی است ما باید این‌ها را دم دست داشته باشیم.

پرسش:

استاد ببخشید! من یک نقدی تقریباً به مؤسسه شما دارم البته خیلی ارتباط مستقیم ندارم در حد این کارگاهی که شرکت می‌کنم احساس می‌کنم یک مقدار از لحاظ کار پژوهشی بسته است و خیلی از افراد نمی‌توانند مراجعه کنند.

پاسخ:

ببینید! بحث‌های پژوهشی ما یک مقداری حالت تخصصی بلکه حالت فوق تخصصی دارد شبهاتی که دوستان ما جواب می‌دهند با دیگر مراکز پژوهشی حوزه فرق دارد. شما یک مقایسه‌ای بین این مراکز بفرمایید ببینید چقدر تفاوت دارد!

یعنی یک شبهه می‌آید فرض بفرمایید فلان مرکز پاسخگو با چهار سطر جواب داده و رد شده است ولی دوستان ما همان شبهه را در هفتاد هشتاد صفحه بحث کرده‌اند. جواب دادن شبهات به این شکل کار هر کسی نیست. در هر صورت این‌ها مباحثی است که ما باید داشته باشیم، همان حرفی را که بن جبرین در کتاب *الوالمکین* من فتاوی شیخ ابن جبرین زد می‌گوید:

«فالأفضة بلا شك كفار لاربعة ادلة»

چهار دلیل داریم که رافضه، بدون شک کافر هستند! یعنی با قاطعیت این حرف را می‌زند یکی از آن‌ها همین است

«يعتقدون أن الصحابة كفروا بعد موت النبي إلا على وذريته وسلمان وعمار ونفر قليل»

این یک بحثی است که این آقا دارد، البته این تنها حرف ایشان نیست بلکه حرف ده‌ها نفر دیگرشان هم هست. حتی مالک، امام شافعی و دیگران شاید بیش از پنجاه تن از اعظم اهل سنت هستند که می‌گویند شیعه کافر

است چون این‌ها صحابه را تکفیر می‌کنند در این‌جا ما باید یک جواب قاطع و محکمی داشته باشیم، زیرا مسئله جدی است.

اگر قبلاً افراد خبر نداشتند الان در فضای مجازی همه این بحث‌ها پخش شده است و این مطالب آمده است ما باید برای این‌ها جواب قانع‌کننده‌ای داشته باشیم این‌که فقط ما به چند بحث دم دستی اکتفا نکنیم به هیچ وجه امروز قابل قبول نیست.

قبلاً این بحث‌ها وجود داشت عرض کردم شافعی و غیره این بحث را کرده بودند ولی تعداد زیادی از اهل سنت از این بحث خبر نداشتند. از امام مالک که متوفای 179 است نقل می‌کنند

«انتزع الإمام مالك رحمة الله عليه في رواية عنه بتكفير الروافض الذين يبغضون الصحابة»

تفسیر القرآن العظیم، ج 4، ص 205، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء الوفاة: 774 ،

دار النشر : دار الفكر - بيروت - 1401

و احمد که متوفای سال 241 است دارد:

«من شتم أخاف عليه الكفر مثل الروافض»

أصول مذهب الشعية الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد - (ج 3 / ص 1189)

بخاری متوفای سال 256 است می‌گوید:

ما أبالي صليت خلف الجهمي والرافضي أم صليت خلف اليهود والنصارى»

خلق أفعال العباد ، ج 1، ص 35، اسم المؤلف: محمد بن إبراهيم بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256 ، دار النشر : دار المعارف السعودية - الرياض - 1398 - 1978 ، تحقيق : د. عبدالرحمن عميرة

شعبی، بغدادی، ابن حزم اندلسی، سمعانی، ابن تیمیه و دیگران همگی این بحث‌های (تکفیر شیعه) را داشته‌اند. همه این‌ها بحث‌هایی است که در طول تاریخ ما داشتیم ولی چون وسائل ارتباط جمعی کم بود خیلی از بزرگان اهل سنت هم از فتاوی ائمه خودشان خبر نداشتند، ولی الان فضای مجازی و فضای سایبری آمده و این فتاوا را مرتباً در فضای مجازی و اینترنت پخش می‌کنند. اذهان جوان‌های اهل سنت را نسبت به شیعه مشوش می‌کنند و برای کشتن شیعه همین‌ها را دستاویز قرار می‌دهند. به همین خاطر است که ما باید خوب کار بکنیم، یعنی بحثی نیست که ما بخواهیم به سادگی از کنارش رد بشویم.

بحث دیگری که این‌ها برای کفر شیعه مطرح می‌کنند

#### «تکفیرهم لأهل السنة»

است که البته این عمومیت ندارد، یعنی این چیزی نیست که همه اهل سنت همین عقیده را داشته باشند بلکه بزرگان اهل سنت در این زمینه، نظر خلاف وهابیت دارند.

می‌گویند شما اهل سنت را کافر می‌دانید و با این‌ها نماز نمی‌خوانید و هر کسی پشت سنی نماز بخواند، نمازش را اعاده می‌کند. بله، بعضی از فقهای ما فتوا دادند ما هم انکار نمی‌کنیم.

انسان برای تقیه خوفی یا تقیه مداراتی می‌تواند پشت سر سنی نماز بخواند ولی بیاید در منزل اعاده کند این اختصاص به سنی هم ندارد اگر یک امام جماعت شیعه فاسق است و پشت سر او نماز بخواند برایش مشکل درست می‌شود فقهای ما می‌گویند برای حفظ جان و پشت سر این امام جماعت شیعه، نماز را بخوان دوباره نمازت را اعاده کن.

این را ما نمی‌توانیم انکار بکنیم ابواب مختلف فقهی ما مملو از این گونه فتاوا است. اصلاً خیلی بالاتر از این، امام جماعتی است که در قرائتش بر خلاف مُقَلِّد مأموم قرائت می‌خواند این آقا باید نمازش را اعاده کند مأموم مُقَلِّد یک مرجعی است که می‌گوید وقف به حرکت و وصل به سکون اشکال دارد این آقا می‌گوید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

نمی‌گوید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

سوره فاتحه (1): آیه 5

در نَعْبُدُ بدون این که وقف کند وصل به سکون می‌کند می‌گوید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

ولی من مأموم مقلد یک مرجعی هستم که می‌گوید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

مبطل نماز است .

با این شرائط اگر من پشت سر چنین امام شیعه عادل و فقیه نماز خواندم، نماز من باطل است . حال آیا این جا ما باید بگوییم چرا فتوا دادید پشت سر این آقا نماز خواندن باطل است؟ این‌ها بحث فقهی است خود شما هم این بحث‌ها را دارید. ولی این که بگوید:

«يعتقدون نجاسة الواحد منا»

شیعه معتقد است که ما اهل سنت نجس هستیم

«فمتی صافحناهم غسلوا أيديهم بعدنا»

وقتی با این‌ها دست می‌دهیم و مصافحه می‌کنیم می‌روند دست‌شان را آب می‌کشند!

می‌گوییم:

(هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ)

ما چنین عقیده‌ای نسبت به اهل سنت نداریم. اضافه بر این‌که شما کتاب‌های فقهی شیعه را باز کنید تمام فقه‌های ما از زمان شیخ مفید تا عصر حاضر می‌گویند ازدواج با سنی اشکالی ندارد اگر شیعه سنی را کافر می‌داند می‌تواند بگوید با کافر ازدواج کن!؟

ذبیحه سنی را ما جایز و حلال و پاک می‌دانیم در کشورهای مختلف می‌رویم حتی خود ما در مسافرت‌های خارج از کشور دنبال مطعم اسلامی می‌گردیم غالباً هم این‌ها چه در اروپا، آمریکا و غیره سنی هستند ما در مطعم‌های این‌ها غذا می‌خوریم در مکه، هر سال هزاران شیعه از همان ذبیحه‌هایی که همین وهابی‌ها می‌کشند استفاده می‌کنند.

آیا شما دیدید یک دفعه شیعه‌ها در مکه و مدینه خودشان گوسفندی را ذبح کنند و برای شیعیان غذا درست کنند؟ نه! اگر هم در بعضی از جاها کلمه کافر و غیره به کار رفته آن کافر، کفر از اسلام نیست کفر از ایمان است.

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)

در این آیه کَفَرَ به چه معنایی است؟ این جا کفر حج نیست کفر معانی مختلفی دارد در این بحث‌ها واژه‌های کَفَرَ و غیره‌ای که آمده سر جای خودش بحث شده و فقها و مراجع ما بحث کردند.

دو مسئله دیگر که مهم است یکی بحث توسل و دیگری افتراء به امهات المؤمنین و عایشه است.

یعنی این سه چهار تا بحث اساسی است که دستاویز وهابی‌ها برای اثبات کفر شیعه است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته